

نگرشی اجمالی بر زبان و منابع و روش‌های آموزش زبان فرانسه در ایران

Dr. Elmira Dādar

ایلمیرا دادور، استادیار دانشکدهٔ زبانهای خارجی

چکیده:

زبان به هر مجموعه یا نظامی از نشانه‌های زبانی اطلاق می‌شود که به گونه‌ای کمابیش یکسان، توسط گروهی از مردم به کار برده می‌شود و بدین وسیله قادر به برقراری ارتباط مفهوم و معتدل با یکدیگر می‌گردند. روشهای آموزش زبانها در قرن بیستم بنا بر نیازها، نظریه‌ها و تجارب متفاوت و گوناگون بوده. در تمامی این روشها سعی بر این بوده است که جنبه‌های قوی و مؤثر روشهای پیشین به گونه‌ای در روش جایگزین ملحوظ و محفوظ بماند. هیچکدام از منابع و روشهای آموزشی را نمی‌توان صددرصد تأیید یا صددرصد رد کرد. همه آنها دارای نقاط قوت و نقاط ضعفی هستند؛ اما...

کلیدواژه‌ها:

زبان، آموزش، تدریس، دیداری، نوشتاری، شنیداری، فرهنگ.

و از نشانه‌های قدرت اوست آفرینش

آسمانها و زمین؛ و اختلاف زبانها و رنگها بتان.

در این عبرتهاییست برای دانایان.^۱

شنیدن این عبارت که «در دنیا بیش از چهار هزار زبان زنده هست»^۲ باعث شگفتی می‌شود.

مطالعهٔ تاریخچهٔ زبانها، تطور گویش‌ها در جوامع و مناطق مختلف، توجه به سطوح چندگانهٔ زبان‌ها که سخنگویان هر زبان، بسته به سطح دانش و آگاهیهای خود، به سطح و حتی وجهی از

آن زبان سخن می‌گویند، از این هم شگفت‌آورتر و شیرین‌تر است. اما از همهٔ اینها جذاب‌تر و شگفت‌آورتر، همانا دقت در سخن و گفتار و کلام این پدیدهٔ انسانی است که از آن به عنوان والاترین و متنوع‌ترین شکل بیان و ارتباط یاد می‌شود. به منظور ایجاد انگیزه در زبان‌آموز، گفتگو از زبان، این موهبت الهی و هدیهٔ پروردگار به بشر، در آغاز تحصیل زبان دوم و در مقاطع راهنمایی و دبیرستان مفید است و به باور من^(۱)، در مقطع دانشگاهی، لازم و ضروری است. در اسطوره‌ها به یگانگی زبان بشر، در آغاز و چندگونگی آن به لحاظ نافرمانی و خطای فرزندان انسان، در ادامه، اشاره‌هایی شده است.^۲ در بحث‌های علمی، خانواده‌های زبانی و سرچشمهٔ مشترک زبانها مطرح می‌شود و چگونگی تطور و دگرگونیهای گویش‌ها و لهجه‌ها و زبان تبیین می‌گردد. منابع متأثر از کتابهای آسمانی کلمه را مقدس شمرده^۳ و آثار باستانی تر هم کلمه را عظیم نامیده‌اند^۴؛ اما در بکرترین منبع الهی، در قرآن‌کریم، نام و نامیدن، جای کلمه و سخن را گرفته است؛ همان هدیه‌ای که خدا به آدم عطا فرمود و به هنگام، فرشتگان را مبهوت و تسلیم ساخت.

دانش بشری هنگام بحث از برخی پدیده‌ها، بدون اشاره به زمان و چگونگی پیدایش آن پدیده، فقط به بحث در آنچه که از چنین پدیده‌هایی در یافته است می‌پردازد. به این ترتیب، با رندی و متواضعانه به مخاطب می‌فهماند که بیش از این نخواهد که علم بشری آن را بر نمی‌تابد؛ اما داستان‌سرایی و فلسفه‌باقی در تمامی زمینه‌ها، ممکن است و جاری، پرداختن به آن مقوله‌ها، در جای خود جذاب و نکوست و شاید موجب ایجاد این انگیزه که «همهٔ زبانها، زبان پدری انسان‌هاست و آشنایی با هر زبانی، گامی است به سوی تکامل در جوامع انسانی»^۵ و حاکی از این که دانش زبان‌شناس، علم دیرین‌شناسی، جامعه‌شناسی تاریخی و دیگر علوم انسانی، نتوانسته و نمی‌تواند تاریخ آغاز و منشأی برای سخن گفتن تعیین و تبیین کند و ناگزیر به تمکین از این اصل منطقی است که «خداوند انسان را ناطق آفریده است و زبان را برای او ابزار نطق قرار داده است...»^۶

چند تعریف و تحریف

- «زبان به هر مجموعه یا نظامی از نشانه‌های زبانی اطلاق می‌شود که به گونه‌ای کمابیش یکسان، توسط گروهی از مردم به کار برده می‌شود و بدین وسیله قادر به برقراری ارتباط مفهوم و معتدل با یکدیگر می‌گردند»^۷

- «... اطلاعات بشر از زبانهای باستانی عمدتاً به لاتینی، یونانی و شاید عبری محدود می‌گشت. هر چند با آثار تاریخی مصر باستان، آشنایی سطحی مختصری از عهد قدیم به عصر جدید رسیده بود، مردم سده‌های هفدهم و هجدهم، هنوز به خطوط تصویری عجیبی که سراسر

۱- منشأ این باور، تجربهٔ سالها تدریس زبان در مقاطع مختلف و مراکز آموزشی گوناگون نگارنده است.

آثار را پوشانده بود، با همان حیرت می‌نگریستند که یونانیان و رومیان...»^۹.
در منبع اخیر، فصلی هست با عنوان «نمونه‌ای چند از خطوط رمزگشایی شده». و به یقین با توجه به تقدم زبان بر خط و از میان رفتن آثار نوشتاری کهنه‌تر، رمز بسیاری از زبانها، از جمله زبان مشترک انسانها، بدون توجه به آنچه در این باره، در افسانه‌ها، اسطوره‌ها و متون مذهبی انسانها آمده است، ناگشوده خواهد ماند.

در بحث شیرین کلام که توسط علامه بزرگوار و فقید، حضرت آیت... طباطبایی، به عمل آمده است، می‌خوانیم: «... خدا یکی از کارهایش را کلام نامیده...» و می‌افزاید که «... فطرت، انسان را ناچار کرده که برای فهماندن ما فی‌الضمیر خود از صوتی که در دهان با مخارج حروف برخورد می‌کند استفاده نماید و از آن ترکیباتی ساخته، برای معانی قلبی خود نشانه قرار دهد. همان معانی که جز به وسیلهٔ علامات وصفی و اعتباری راهی به سوی آنها نیست. پس انسان نیاز به سخن گفتن دارد از جهت این که راه به تفهیم و تفهم ندارد جز این که الفاظ و اصواتی را با وضع و قرارداد علامت قرار دهد؛ و از این رو لغات مختلفه با همهٔ وسعتی که دارد بر مدار احتیاجات موجود، یعنی احتیاجاتی که انسان در زندگی کنونی خود متوجهٔ آنها شده دور می‌زند و به همین جهت به دنبال پیشرفتهای اجتماع و افزایش نیازمندیهای زندگی لغات هم پیوسته رو به کثرت و وسعت می‌رود»^{۱۰}.

دامنهٔ وسیع این بحث، به آنجا می‌گشود که در جامعهٔ جهانی، نیاز به زبانی مشترک برای تفهم، تفهیم و تفاهم هست و تحصیل زبانهای دوم و سوم، کوششی است در این جهت که «اندر این بحر اگر چه آن نکنی، دست و پایی نزن، زبان نکنی».
اما پیشینهٔ امر:

میان جوامع باستان با زبانهای گوناگون، فراگیری زبان دوم، به صورت رسمی و مدرسی نبوده است. بنابر طبیعت امر، مرزنشینان بین قبایل، پله‌وران، فرزندان که پدر و مادرانشان به دو زبان صحبت می‌کرده‌اند، مهاجران و کوچ‌نشینان و افرادی از این قبیل و از همه مهمتر و مؤثرتر جنگ‌ها، شکست‌ها، و پیروزیها و پیامد آن بردگان، کنیزان، اقوام و بومیان شکست‌خورده که از مهمترین انگیزه‌های اشاعهٔ زبان دوم بوده‌اند، ناگزیر زبان دوم را می‌آموخته‌اند و همین‌ها، می‌توانسته‌اند نقش مترجم را در تبادلات فراورده‌های فرهنگی و جز آن را داشته باشند. در قصص، اوسانه‌ها و اسطوره‌ها جزئیات تشریح نمی‌شود. برای همین مخاطب داستان حضرت سلیمان و ملکهٔ سبا نمی‌داند که نامهٔ پیامبر خدا به بلقیس به چه زبانی بوده و به چه خطی نوشته شده است. آن پیامبر که زبان تمامی جانداران، حتی مورچه^{۱۱} را می‌دانسته، آیا خط و زبان تمامی مردم متمدن آن روزگار را هم خدا به وی آموخته بوده‌اند؟ باز نمی‌دانیم، وقتی که ذوالقرنین که او را با کورش هخامنشی یکی دانسته‌اند، هنگام لشکرکشی به سوی شمال، با هموعان خود که زبان او را نمی‌فهمیدند، چگونه سخن گفته است^{۱۲}؟ طبیعی و منطقی این است که اینجا نیز افراد دو زبانه یا چند زبانه، از میان مرزنشینان و کسانی باشند که به هر دلیل و لحاظ

در جوامعی با زبانهای گوناگون و گویشهای متفاوت می‌زیسته‌اند. در سرزمین ما، ساریان‌ها و چوپانها در مناطق کویری - به ویژه در بخشهایی از سمنان که گویش‌ها متفاوت است - کولی‌ها و عشایر کوچنده، گویش‌ها و زبان‌های مردم محل تردد خود را آموخته‌اند و اکنون نیز در شمال قوچان، مردم برخی روستاهای مهاجرنشین، به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و گویش کردی، یعنی زبان همسایه‌هایشان آشنایی کامل دارند؛ اما با توجه به وجود کتیبه‌های چند زبانه از یک سو و پهناوری^{۱۳} سرزمین ما، در دوران باستان از سوی دیگر، وجود زبان‌دانان رسمی و باسواد هم به اثبات می‌رسد؛ گرچه تندیس‌های همچون تندیس دبیر یا کاتب مصر باستان از آنان برجای نمانده باشد، اما وجودشان قطعی و حتمی است. ما از روش آموزش زبانهای دوم در آن ادوار و اعصابی خبریم، اما در یونان باستان آموزش زبان رومی به فرزندان توانمندان و بازرگانان توسط برده‌های رومی، خدمتکاران زباندان و آموزگاران سرخانه بوده است. پس از بالیدن، رشد و سلطه رومیها، زبان رومی [لاتین] زبان بین‌المللی دنیای غرب باستان گردید. شیوه آموزش در آن روزگار، جز یک شیوه و آن هم آموزش دستور زبان لاتینی نبوده است. گرچه اولین منبع چاپی دستور زبان لاتینی در سال ۱۵۳۲ میلادی منتشر شده است و پیش از آن منابع آموزشی دستنویس بوده است.^{۱۴}

زبان‌دان مشهور در تاریخ ادبیات ایران باستان، بوزویه، مترجم کليلة و دمنه است که در مقدمه کليلة و دمنه فارسی و عربی هم از او یاد شده^{۱۵}، و بعد از رواج اسلام در ایران، مترجم‌های ایرانی یکی از ارکان انتقال علوم و ادبیات از زبانها و فرهنگهای آن روزگار به زبان غالب مسلمانان [عربی] بوده‌اند؛ البته انتقال میراث فرهنگی ایران، به دلیل افتادن گویش‌های مادی، پارسی، پارتی و میانه در بستر حکومت‌های ایران شهری و رشد و تکامل و تطور زبان ایرانی از زبان پارسی کهن به پارسی باستان و از آنجا به پارسی میانه و سرانجام به زبان دری و پدیداری و دگرگونی‌های شاخه‌ها و گویش‌های متعدد، همه نیاز به زبان‌دان و مترجم داشته‌اند.^{۱۶}

نیز فراموش نکنیم که یونانیان نزدیک به یک سده بر ایران حکومت کردند که در نتیجه زبان یونانی ناگزیر زبان رایج دربار و زبان رسمی و حکومتی شد. همچنین به یاد می‌آوریم چیرگی مغولان و ترکان سلجوقی و پیامد زبان‌گفتاری‌شان را و اوجگیری آموزش زبان و رواج ترجمان را. دانشمندانی همچون ابوریحان بیرونی زبانهای رایج در ایران و عربی و سنسکریت را می‌دانسته‌اند و به آن زبانها می‌نوشته‌اند و از آن زبانها ترجمه می‌کرده‌اند. روش فراگیری زبان که مورد توجه در این نوشتار است، از خلال تاریخ ادبیات روشن نمی‌شود؛ اما از آنجایی که روش آموزش حوزوی جازی در مراکز آموزشهای دینی در ایران تا چند دهه پیش، همان روشهای پیشین بوده است و مکتبخانه‌ها نیز متأثر از آموزشهای جاری در حوزه‌های علمیه بوده، بنابراین روشهای آموزشی، به ویژه آموزش زبان عربی مقدماتی، مبتنی بر همان روشهای پیشین بوده است به طوری که منبعی معروف به نصاب^{۱۷} تا چند دهه پیش مشهورترین منبع برای آموزش زبان عربی بود.

روش آموزش زبانهای اروپایی در ایران پس از وقوع رنسانس در اروپا، نمی توانست چیزی جز روشهای پیشنهادی و دیکته شده از اروپا باشد؛ گرچه دست‌اندرکاران امر واقفند که تاریخچه آموزش زبان در اروپا نیز، دستخوش انواع تطورات و دگرگونیها شده است. تا اواخر قرن هجدهم زبانهای خارجی در اروپا به روش زبان لاتین تدریس می‌شده است، گرچه طی چند قرن، میان طرفداران آموزش رسمی زبان لاتینی و کسانی که قائل به آموزش زبان به صورت تقلید و تکرار بوده‌اند، اختلاف نظر و بحثهای فراوانی درگرفت، اما آثار برخی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در امر زبان‌آموزی راهگشا بود؛ کسانی همچون (یان کمینیوس Ian Comenius) از کشور چک که در یکی از کتابهای آموزش زبان استفاده شده است. سالها بعد جان لاک (John Loc) و یک قرن بعد (باسدو Basedow) از کمینیوس پیروی کرده‌اند. مشق و تمرین مرسوم تا اواخر قرن هجدهم میلادی در اروپا، ترجمه از زبان دوم بوده است. تا این که کتابی با عنوان تمرین دستور زبان فرانسه، توسط (میدنگر Meidenger) در سال ۱۷۸۳ انتشار یافت که ترجمه از زبان دوم را با به کار بستن قاعده‌های دستور زبان، رایج ساخت. در آغاز قرن نوزدهم، بازگشتی صورت گرفت روش آموزش دستور زبان به طریق استنباطی طرفدار پیدا کرد؛ اما چون متون مورد استفاده از آثار ادبی ثقیل و از کتاب مقدس بود، نوآموزان با دشواری روبرو می‌شدند. تألیف منابعی با استفاده از جمله‌های ساده که ویژگیهای دستور زبان را هم ارائه می‌کرد، از همان هنگام آغاز گردید تا این که توسط فردی به نام کارل پلوتز (Karl Plötz) (۱۸۸۱-۱۸۱۹) این روش تکمیل گردید. در این روش قاعده و اوزان صرف افعال و عبارتهایی به عنوان نمونه و ترجمه از زبان اول به زبان دوم و بالعکس، ساختار اصلی آن بوده است. اما همین روش هم از نقد و رد برکنار نمانده. کلودمارسل (Clau Marcel) با ارائه یک رساله، روش ترجمه و دستور زبان را رد می‌کند (۱۸۶۷) و آموزش زبان با درک مطلب از راه گوش کردن زیاد و خواندن مطالب ساده با مفاهیم آشنا را مقدم می‌دارد بر نوشتن و صحبت کردن.

در مورد آموزش زبان، معتبرترین منبع به زبان فرانسه در قرن نوزدهم (۱۸۸۰) کتابی بوده است با عنوان هنر فراگیری و خواندن زبانها (L'Art d'enseigner et d'etudier les langues).

این کتاب در بدو انتشار مورد استقبال فرانسویها قرار نگرفت، اما ترجمه آن در کشورهای انگلستان، آلمان و ایالت متحده موجب پیدایش روشی موسوم به روش مستقیم گردید. این روش گرچه در زمان خود روشی مبتنی بر تجارب و مترقی به شمار می‌رفت، اما در عمل با دشواریهای زیادی مواجه گردید که کمبود مدرسان مسلط به زبان دوم که به آن زبان سلیس و صحیح هم صحبت کنند از آن جمله بود.

روشهای آموزش زبانها در قرن بیستم نیز بنا بر نیازها، نظریه‌ها و تجارب متفاوت و گوناگون بود؛ به این لحاظ این دگرگونیها را به طوفان شن تشبیه کرده‌اند که با دوره تناوب تقریبی بیست و پنج ساله، طرحی به جای طرح پیشین می‌نشیند.^{۱۸} اما در تمامی این روشها سعی بر این بوده

است که جنبه‌های قوی و مؤثر روشهای پیشین به گونه‌ای در روش جایگزین ملحوظ و محفوظ بماند. تنوع روشها به گونه‌ای است که هر مدرس و آموزشگاه زبان دوم یکی از آنها یا تلفیقی از چند روش را به کار می‌گیرد؛ و بسا که از وجود یا ویژگی‌های روشهای دیگر آگاهی چندانی هم نداشته باشد. در جایی، پانزده روش را برشمرده‌اند. و همانجا آمده است که «واژه‌هایی چون روش مستقیم، روش ساده‌سازی، روش در صحنه و موقعیت، روش طبیعی، روش فیلم، روش محاوره‌ای، روش شفاهی، روش [مبتنی بر اصول] روانشناسی، فقط نامهای مبهم و نادرستی است که خود را تنها به یک جنبه از جنبه‌های موضوع پیچیده زبان محدود کرده‌اند».^{۱۹}

رواج روشهای گوناگون از اوایل دهه ۶۰ میلادی تا امروز در ایران، متأثر از همین اختلاف نظریه‌ها در خارج از مرزهای ما بوده که حاصل آن به صورت منابع درسی به دست دانش‌آموزان و زبان‌آموزان ما رسیده است و به علل بسیار، بازده نداشته^{۲۰}. در روش موسوم به روش مستقیم (La méthode directe) فرایند آموزش زبان در ایران به جای شنیدن -- گفتن -- خواندن -- نوشتن، مشابه روش آموزش سنتی ترجمه و دستور (La méthode traditionnelle de traduction - grammaire) زبان لاتین، در عصر باستان و قرون وسطی شد و به املاء و ترجمه اکتفا گردید.

اصول روش شنیداری و شفاهی (La méthode audio - orale) هم به علت در دسترس نبودن امکانات، ابزار، اسباب، مدرس کارآمد به تعداد لازم، ازدحام زبان‌آموزان، قابل اجرا نبود. روش برنامه‌ریزی شده (L'enseignement - Programme) که به دو شاخه آموزش خطی La programmation linéaire و شاخه‌ای La programmation ramifiée [type crawler] تقسیم شده است. در این روش از اسباب شنیداری و دیداری استفاده می‌شود و برنامه‌های بسیاری برای این روش تدوین گردیده است. در این روش اصول زیر باید شالوده کار آموزش باشد:

- ۱- تجزیه متن آموزش به اجزایی کوتاه.
- ۲- در نظر گرفتن استعداد و قدرت فراگیری زبان‌آموز، برحسب پیشرفت فردی و متناسب بودن برنامه با آن.
- ۳- مشارکت زبان‌آموز به صورت فعال در پرسش و پاسخ و پاسخ‌گویی به پرسشهای پی‌درپی با تأکید به پاسخ پیشین.
- ۴- ارزشیابی پاسخهای درست و نظارت بر آن.

روش آموزشی S.G.A.V و پس از آن Voix et images de France از اولین روشهای موفق دیداری - شنیداری بوده است که طبق جداول زیر کار می‌شود.

۱

ارائه	بهره‌برداری
توضیح	
تکرار - به خاطر سپاری	

۲

ارائه	بهره‌برداری
تکرار - به خاطر سپاری	
توضیح	

۳

تکرار بدون تصویر	
ارائه	بهره‌برداری
توضیح	

در این روش، طبق تجارب دست‌اندرکاران، فراگرفتن زبان پایه محاوره‌ای به ۲۵۰ تا ۴۵۰ ساعت زمان نیاز دارد، آن هم به این شرط که تمامی اسباب، امکانات و شرایط آموزش مهیا باشد. در چنین شرایطی زبان‌آموز ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ واژه را که بیشترین کاربرد را دارد فرا می‌گیرد. متأسفانه از حدود چهل سال پیش تا همین امروز، شاهد تبلیغاتی با مضمون‌هایی نزدیک به مضمون «آموزش کامل مکالمه در ۳۰ جلسه» و «آموزش کامل زبان در سه ماه» و... امثال آن بوده‌ایم؛ آن هم در حالی که متخصصان امر، فراگیری زبان دوم را فرایندی پیچیده می‌شمارند و دوره‌های متعارف آموزش زبان را مکفی نمی‌دانند^{۲۱}. شاید بی‌التفاتی به رشته‌های زبان خارجی از سوی زبان‌آموز و برخی دست‌اندرکاران به همین لحاظ و دلیل باشد که این کار بزرگ و این امر ضروری، خرد و تفننی جلوه کرده است، تا جایی که پس از ۱۵۰ سال سابقه تدریس زبان و ادبیات فرانسه در ایران^(۱)، نه روش هماهنگ و کاملی در این زمینه در سطح کشور هست و نه منابعی که منطبق با نیاز زبان‌آموزان مقاطع مختلف و متناسب با شأن یک کشور اسلامی باشد. یادآوری این نکته ضروری است که کشورهایی که طی چند قرن گذشته، ماهیت استعمارگری و استثمارگری داشته و دارند، اصل همگونی فرهنگی، در آموزش زبان خودی به کشورهای دیگر را در نظر گرفته‌اند و در این آموزش فرهنگ که لاجرم با آموزش زبانی همراه بوده است، برتری خویش و دون شمردن دیگران را هدف اصلی خود قرار داده‌اند^{۲۲}. از جمله پیامدهای این نکته این است که چون آموزش زبان خارجی در ایران، منحصر به زبان فرانسه، یا روسی نبوده و زبان انگلیسی، زبان آلمانی، زبان ایتالیایی، زبان انگلیسی آمریکایی، و... پایشان به ایران باز شد پس به این ترتیب نخبگان، در داخل ایران یا با اعزام به کشورهای خارجی، یک یا چند زبان خارجی را برای ادامه تحصیل فرا می‌گرفتند و به دنبال آن، فرهنگمندان ما، آبخوارهای فرهنگی گوناگونی یافته و هر گروه سعی می‌کرده تا جهان را به زبان و دیدگاه همان فرهنگی که در آن غوطه خورده

۱- دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ه. ق. آغاز به کار کرد و از جمله رشته‌هایی که در آن تدریس می‌شده، زبان و ادبیات فرانسه بوده است.

است، تبیین کند. بارزترین مظهر این تصادمها تلفظ‌های چندگونه و چندگانه اصطلاحات و واژه‌های فنی، علمی، ادبی، فلسفی و نامهای شخصیتهاست که در فرهنگ‌نامه‌ها و متن‌های مطبوعات و کتابهای صد سال گذشته تاکنون می‌بینیم. طبیعی است که همین تضاد، تقابل، تعارض، اختلاف و ناهمگونی، درآرا، دیدگاهها، برداشت، جهان‌بینی، اندیشه‌های، کنشها و... هم وجود داشته باشد و ما را از همدلی و همراهی به سوی تفرقه و جدایی ببرد و در نهایت گرچه تلویحی و ضمنی، خودکم‌بینی را به ما القاء کند.

بنابراین، ناگزیر باید مؤلفان و مدرسان نگاهی به منابع موجود و منابعی که در ادوار گذشته مورد استفاده قرار گرفته است، بیندازند و ضمن در نظر گرفتن نقاط قوت و وجوه مثبت آن منابع، اقدام به تألیف منابعی در این زمینه بفرمایند، آن هم برای مقاطع مختلف آموزش زبان که بنابر برخی نظریه‌ها این کار باید از مقاطع بسیار پایین آغاز و زبان‌گفتاری به خردسالان آموزش داده شود، اما با محتوای فرهنگی، نه ضد آن.^(۱)

این مدرس امروز و زبان‌آموز دیروز، طی سالها تعلیم و تعلم در زمینه زبان و ادبیات فرانسه با منابع و روشهای گوناگونی مواجه بوده است که به شش مورد آن اشاره می‌شود:

- ۱- روش سنتی خواندن و نوشتن Mauger (۲۲۰ صفحه)
 - ۲- روش دیداری - شنیداری De vive voix (۲۲۰ صفحه)
 - ۳- روش دیداری - شنیداری La France en direct (۲۰۰ صفحه)
 - ۴- روش شنیداری - نوشتاری Le français et la vie (۲۵۰ صفحه)
 - ۵- روش شنیداری - نوشتاری Le Nouveau sans frontières (۲۵۰ صفحه)
 - ۶- روش دیداری - شنیداری (نوار ویدئویی همراه با کتاب) Avec plaisir (۱۷۰ صفحه)
- این شش منبع و روش، از سنتی‌ترین آنها تا آخرینشان در مسائل، مشابه و نزدیک به هم عمل کرده‌اند؛ به ویژه در مورد دستور زبان که روش کمابیش همسانی دارند.^(۲)

در نخستین منبع، یک خبرنگار کانادایی جهت تهیه خبر به فرانسه می‌آید و پس از ملاقات‌های اولیه (سلام - آشنایی - معرفی - دعوت کردن - مهمانی - بیمارستان - ورزش - فروشگاه...) کم‌کم به مناطق مختلف فرانسه سفر می‌کند و بدین ترتیب با آداب و رسوم و خوردن و نوشیدن و فرهنگ و... آشنا می‌شود و در طی دروس مختلف، دستور زبان هم آموزش داده می‌شود و در انتها این مأموریت خبری به پایان می‌رسد و خبرنگار به کانادا باز می‌گردد. در منبع دوم حادثه‌ای کوچک در خیابان اتفاق می‌افتد که باعث آشنایی دختر و پسر جوانی

۱- متأسفانه در زبان‌گفتاری و نوشتاری، ضد فرهنگ جوامع غربی و مظاهر آن را فرهنگ غربی تلقی کرده‌اند و همین هم به باورها راه یافته است. شاید از عمده نکات یکی هم تفکیک فرهنگ از ضد فرهنگ باشد و تمیز بین مظاهر این دو.

۲- در حال حاضر در مراکز آموزشی دانشگاهی و غیردانشگاهی ما روش‌های آموزشی گوناگون همچون Archipel - Voix et images de France - café crème - Espace - Tempo... تدریس می‌شود.

می‌گردد. در طول ۵۲ درس، این دختر و پسر جوان با خانواده‌های یکدیگر آشنا می‌شوند و به جاهای مختلفی می‌روند و آداب، سنتها، بدعتها و فرهنگ خود را در غالب این درسها به دانشجویان غیرفرانسوی ارائه می‌دهند.

در یکی از درسها که مراسم سال نو مسیحی است - با سنتهای خاص خودشان - برای نگارنده که در دانشگاه شهید چمران اهواز تدریس داشت تجربه جالبی بود، چون در یک منطقه گرمسیر نه تنها سؤالاتی پیش آمد که مویذ عدم شناخت این دانشجویان از آب و هوا و زمان این عید بود؛ بلکه دانشجویان مطلقاً به سؤالاتی که بر مبنای تصاویر مشخص تدوین شده بود نمی‌توانستند پاسخ بگویند. چه بسا که بعضی از مدرسین خود نیز با این مفاهیم فرهنگی بیگانه بودند (آویزان کردن جورابها در کنار بخاری دیواری به این نیت که بایانوتل هدایای خود را نیمه شب درون این جورابها بگذارد). در آخرین درس شاید دستور زبان به انجام می‌رسد. اما داستان به سرانجام نمی‌رسد.

منبع و روش سوم که هنوز در بعضی از مراکز آموزش زبان مورد استفاده دارد با یک مکالمه تلفنی شروع می‌شود. سلام - احوالپرسی - قرار ملاقات و... و طی فصلهای کتاب چند جوان به مراکز مختلف فرهنگی - تفریحی - ورزشی - پزشکی و... پاریس و سایر شهرهای فرانسه می‌روند و اتفاقاتی که برایشان پیش می‌آید با استفاده از تصاویر شفاف (اسلاید) در معرض دید دانشجویان قرار می‌گیرد و از طریق نوار صدا مکالمات را پی می‌گیرند. در این روش آموزشی که سعی شده با اصلاح ظاهری جامه در تصاویر ارائه شده در کتاب نواقص آن را برطرف کنند، بارها پیش آمده که جمله‌های کتاب تصاویر کتاب را نقض کرده است، به عنوان مثال در درس سوم کتاب دوم، تصویر لازم دیده نمی‌شود و فقط مکالمات حاکی از آن است که شب قبل تا نیمه شب جوانان رقصیده‌اند و حالا خسته‌اند و نمی‌توانند به موقع به کلاس درس برسند.

روش و منبع چهارم ادامه منبع شماره اول است و هر دو مربوط به Alliance Française می‌باشند. این روش نیز روشی است شنیداری - نوشتاری مشتمل بر ۲۸ درس. این بار نیز جوانی ایتالیایی به فرانسه می‌آید و مهمان خانواده‌ای می‌شود. در طول ۲۸ درس او به مکانهای مختلفی می‌رود با افراد مختلفی آشنا می‌شود و به مرور با فرهنگ و سنت فرانسه که چندان دور از فرهنگ ایتالیا نیست برخورد می‌کند و نوعی مقایسه پیش می‌آید. مقایسه درباره جشنها، خوراکها، تفریحات، لباسها، نوشیدنی‌هایی که در فرهنگ غربی جای دارد به دفعات خریداری می‌شود. در رستوران پذیرایی می‌شود و...

و این امور را در سایر منابع متداول هم می‌توان دید. معمولاً در کلاسهای درس ما، این نوع نوشیدنی‌ها با شیر جایگزین می‌گردند و استاد تکیه بر آن ندارد؛ اما دانشجویان خود متوجه می‌شوند و یا همان موقع واژه فرانسوی را می‌پرسند و یا بعد با مراجعه به فرهنگ متوجه معنی و تلفظ آن می‌شوند.

منبع و روش پنجم در حال حاضر در بعضی از دانشکده‌ها تدریس می‌شود. در درس آغازین

آن تصادفی رخ می‌دهد و یک بازیگر سینما و یک آهنگساز با هم آشنا می‌شوند. بقیه ماجرا دوستی این دو نفر است و به موازات آن دو دختر نیز همدیگر را ملاقات می‌کنند و بعد هر یک متوجه می‌شوند که این آهنگساز و بازیگر را می‌شناسند، ادامه داستان همان موضوعات همیشگی است: رفتن به سینما، تئاتر، ورزشگاه، مسافرت، رستوران و... در این روش آموزشی که جدیدتر از روشها و منابع دیگر است صحبت از میراث فرهنگی، فضای سبز، آلودگی محیط زیست و راههای مبارزه با آن همراه با قطعاتی از مثنیهای ادبی (نظم و نثر) است. در اینجا نیز ما خواهناخواه شاهد تبلیغ در مورد فرهنگ غربی هستیم و نه تنها نشانی از فرهنگ ملی - مذهبی ما در آن وجود ندارد، بلکه مسائل مشرق زمین نیز - حتی به صورت کم‌رنگ آن - در آنجا مشاهده نمی‌شود. گویی در جهان جز کشورهای غربی کشوری نیست.

آخرین منبع و روش مورد مطالعه روش ویدئویی Avec plaisir است که چون تصویربرداری آن مطلوب است جذابیت‌هایی دارد و این جاذبه‌ها زبان‌آموزان را به خود جلب می‌کند. این روش در نوع خود می‌تواند کمک زیادی به یادگیری زبان نماید چون گفتارها بسیار شمرده است. صحبت‌های مورد نیاز روزمره در آن به وفور یافت می‌شود و... در اولین درس این متد دختر جوانی با قطار به شهر لیون می‌رسد. او خبرنگار جوانی است که قرار است در یکی از روزنامه‌های شهر مشغول به کار شود. طبق معمول، درس با یک ملاقات شروع می‌شود. همکاران دختر جوان که به دنبال او به ایستگاه قطار آمده‌اند، سلام - احوالپرسی - معرفی و... بعد از آن معرفی مکانهای مختلف شهر - صحبت از حرفه‌های مختلف و همان روال سابق در تصویر پایان کتاب دختر جوان به شهر دیگری می‌رود و جلسه آخر، جلسه تودیع و یادآوری خاطرات گذشته و وعده دیدار مجدد است.

هیچکدام از این منابع و روشهای آموزشی را نمی‌توان صددرصد تأیید و یا صددرصد رد کرد. همه آنها دارای نقاط قوت و نقاط ضعفی هستند. مسلماً در پس هر یک از این متون و مطالب و حتی تصاویر اندیشه‌ای نهفته است و مبتنی و متکی بر برنامه‌ریزی‌هایی خوب است؛ اما به واقع در پی این دروس آموزشی به گونه‌ای ظریف و غیرمستقیم فرهنگ و ضدفرهنگ غربی در میان نکات دستوری، آواشناسی، واژه‌شناسی نگارش و... نهفته است که مسلماً در مخاطبان مؤثر است.

واکنشهای مرسوم ما:

- در حال حاضر، کم‌رنگ کردن و یا حذف مسائل مشکل‌آفرین، بدعتها و فرهنگ غرب در منابع درسی به صورتهای زیر مرسوم است:
- ۱- حذف تصاویر نامناسب.
 - ۲- حذف تصاویر مثنیهای نامناسب.
 - ۳- صرفنظر کردن از توضیح بعضی جمله‌ها و یا واژه‌ها.
 - ۴- پوشاندن بعضی تصاویر.

که در آخرین مورد نه تنها کمکی به اصل آموزش زبان نمی‌کند بلکه گاهی اوقات تبدیل به طنز و شوخی می‌شود و مشکلی بر مشکلات می‌افزاید
... اما کنش مطلوب و آینده‌نگرانه:

یکی از دلایل فروش و موفق بودن متدهای آموزش زبانهای غربی که همه ساله انواع و اقسام آن به بازار می‌آید و سال به سال هم تخصصی‌تر می‌شود (آموزش هتلداری - آموزش تجارت و داد و ستد و...) سرمایه‌گذاری همه جانبه در این زمینه است. چون شاهدیم که فراورده‌ها به صورتی مرغوب، خوش آب و رنگ، چشمگیر و تصاویر منتخب و معنی‌دار، منتشر می‌شوند و فروش خوبی هم دارند. برای مقابله با چنین سلاحی، سپهری درخور و شایسته لازم است و سلاحی همانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمایه منابع:

- ۱- قرآن کریم، سوره روم، آیه ۲۲.
- ۲- داستان حضرت نوح علیه السلام و سه فرزند ایشان در قصص قرآن و بند هشن، بخش بیستم، درباره تخمه و پیوند کیان و منابع دیگر.
- ۳- «و نامهای چیزها را به آدم بیاموخت، سپس آنها را به فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می‌گویید مرا به نامهای این چیزها خبر دهید.» قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۳۱.
- ۴- آغاز یوحنا: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و...».
- ۵- «آری کسی هست که از تو بزرگتر باشد. آن خدایی است که قبل از هر چیز بوده، بعد از آن کلمه که با هر دو روح القدس می‌باشد. این سه یک طبیعت بیشتر ندارند و بالذات یکی هستند...». المیزان، ج ۳ فارسی، ص ۵۳۱، تثلیث جهانی، قبل از تورات، بحث خرافات در تورات.
- ۶- «زبان‌شناسی یعنی مطالعه زبان... زبان‌شناسی به زبان، به خاطر خود زبان و به عنوان یکی از تجلیات رفتار انسانی، علاقمند است. در نتیجه بخش اعظم زبان‌شناسی جدید، شاخه‌ای از روانشناسی شناختی محسوب می‌شود.» زبان و مهارت‌های زبانی، ص ۹ جیمز فلاو و پیتراج. سالوس، مترجم علی آخشینی.
- ۷- استاد محمدرضا مظفر، منطق، ص ۱۳.
- ۸- اچ. داگلاس براون، اصول یادگیری و تدریس زبان، ترجمه دکتر مجدالدین کیانی، ص ۱۱.
- ۹- یوهانس فریدریش، زبان‌های خاموش، ص ۲، ترجمه دکتر یداله نمره، دکتر بدرالزمان قریب.
- ۱۰- المیزان، ج ۲ فارسی، ص ۴۴۴ و ۴۴۵.
- ۱۱- قرآن کریم، سوره نمل، آیه ۲۹: «زن گفت: ای بزرگان نامه‌ای گرامی به سوی من افکنده شد.»
- ۱۲- قرآن کریم، سوره کهف، آیه ۹۳: «تا به میان دو کوه رسید. در پس آن دو کوه مردمی را دید که گوی هیچ سخنی را نمی‌فهمند.»
- ۱۳- از مشهورترین کتیبه‌ها می‌توان کتیبه دو هزار واژه‌ای بیستون [بغستان] به خط میخی و با زبان‌های فارسی قدیم، عیلامی و بابلی، کتیبه‌های تخت جمشید به زبان‌های پارسی، عیلامی، آشوری و کتیبه‌های عباس‌آباد همدان و سنگ یادمان کانال سوئز به سه زبان و به خط مصری را نام برد.
- ۱۴- هدف از این شیوه آموزشی ایجاد توانایی تکلم و خواندن و نوشتن به زبان لاتین بود که کتابهای مقدسی از زبان عبری به آن ترجمه شده بود و بعدها کتابهای علمی پیشینیان نیز به همان زبان برگردانده شد. فردی به نام دی‌مارینیس (Dimarinis) دستور زبان مجملی در ۶۷ صفحه تألیف و منتشر ساخته است (۱۵۳۲ م). ر.ک. روشهای آموزش زبان و مسائل زبان‌شناسی، مؤلفان اعضاء گروه زبان‌شناسی کاربرده و آموزش زبان‌ها (بنیاد پژوهش‌های اسلامی) ص ۸۲.
- ۱۵- «... و فرمود که مردی هنرمند باید طلبید که زبان پارسی و هندوی بدانند و اجتهاد او در علم شایع باشد تا بدین مهم نامزد شود. مدت دراز بطلبیدند آخر برزویه نام جوانی نشان یافتند که این معانی در وی جمع بود.»
- ۱۶- «اسکندر مقدونی دستور داد آثار ایرانی را به یونان ببرند و ترجمه کنند؛ در عهد ساسانیان کتابهای علمی یونانی به فارسی ترجمه شد. در زمان انوشیروان کتابهایی از زبانهای هندی، قطبی، عبری به زبانهای

سُریانی و پهلوی ترجمه گردید. مترجمان این آثار از ترسایان نسطوری و مغان و دانشمندان پناهنده از روم و مدرسان جندیشاپور، بوده‌اند. پس از شیوع نهضت ترجمه در اسلام، عبدالله ابن‌المفقع (روزبه پسر دادویه) و خاندان نوبخت و دیگران در عهد عباسیان، از مترجمان آثار ادبی، اخلاقی و علمی و فنی شمرده شده‌اند. ر.ک. سبک‌شناسی محمد تقی بهار - ج ۱ - گفتار سوم به بعد.

۱۷- نصاب الصبیان منبعی منظوم است که در اوایل قرن هفتم هجری توسط ابونصر فراهی بجزستانی تألیف گردیده است و شرحهایی بر آن نوشته‌اند. در این منبع معنی واژه‌های عربی، اطلاعات عمومی، اوزان و عروض به صورت منظوم و به زبان فارسی آمده است.

۱۸- ر.ک. ایچ. داگلاس براون، یادگیری و تدریس زبان، مترجم دکتر مجدالدین کیوانی، ص ۳۰۲ و بعد آن.

۱۹- ویلیام فرانسیس مک‌کی (W.F. MACKEY) روش چیست؟ مترجم حسین مریدی، ر.ک. روشهای

آموزش زبان و مسائل زبان‌شناسی، ص ۷۵ تا ۱۱۹.

۲۰- دکتر غلامعلی حداد عادل - رشد آموزش زبان، سال دوم شماره ۱: «... در طول این چهل، پنجاه سالی

که زبان خارجی در ایران به صورت وسیع آموخته شد، هیچ وقت به نتیجه مطلوب نرسید. یعنی اگر شما فکر کنید که دانش‌آموزان چقدر وقت صرف آموختن زبان کردند و معلمان نیز و چه هزینه‌ای صرف شد و چند درصد مردم ما توانستند از این عمر و پولی که صرف شده بهره ببرند می‌بینید که عملاً چیزی نزدیک به صفر بوده است...».

۲۱- منبع شماره ۱۸، ص ۷: «... یادگیری زبان دوم فرایند پیچیده‌ای است که با تعداد به ظاهر نامحدودی از

متغیرها ارتباط دارد. تعداد متغیرها آنقدر زیاد است که معمولاً دوره‌های متعارف زبان‌های خارجی، به خودی خود به تنهایی برای تسلط بر زبان دوم، به طرز تأسف‌آوری ناکافی‌اند. عده کمی می‌توانند زبان خارجی را در محدوده کلاس درس به خوبی یاد بگیرند. در حقیقت شاید جنبه‌های بسیار معدودی از زبان خارجی را بتوان عملاً تدریس کرد...».

۲۲- ر.ک. وان پاسل (Van Passel) و دوگرو (De Grève) جایگاه زبان گفتاری و زبان نوشتاری در

آموزش زبان مترجم: ابوالحسن سروقد. روشهای آموزش زبان و مسائل زبان‌شناسی: «اولین مطلبی که به چشم می‌خورد این است که آموزش یک زبان، در نهایت آموزش فرهنگ را به همراه دارد... تجربه به ما می‌آموزد که اگر بتوانیم به راحتی ک زبان خارجی را حرف بزنینم مستقیماً به فرهنگی هدایت می‌شویم که این زبان وسیله انتقال آن است.» ص ۱۹۲.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی